

نسبت عرفان با فقه از منظر امام خمینی

موسی حکیمی صدر^۱، امیر رحمان کلاهی^۲

^۱ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری

^۲ دانشجوی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه حکیم سبزواری

نویسنده مسئول:

امیر رحمان کلاهی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۳۶-۴۲

چکیده

معنویت از ابعاد وجودی انسان هست به همین علت همواره به طرق سلوک عرفانی تمایل وجود داشته و دارد. بعضی مدعیان نیز قائل هستند انسان میتواند درجات عرفانی را بدون نیاز به فقه و شرع کسب کند. امام خمینی ادیان الهی را واجد باطن و ظاهری می دانند که می توان به باطن یا حقیقت از ظاهر شرعیت با رابطه ای طولی بین آنها دست یافت. ایشان ترک ظاهر را از فریب شیطان می دانستند و تقید به اوامر شرعی را در همه مراحل سلوک عرفانی و نیز بعد از نائل شدن به حقیقت و معارف لازم دانسته و هیچگونه تغییری در اعمال و احکام شرعی را نمی پذیرفتند. ایشان در دوره غیبت، باعنایت به نقش ولی کامل الهی در هدایت افراد و حفظ احکام شرعی، جایگاه فقها را در دستگیری مقلدان نسبت به احکام، جانشینان انسان کامل قلمداد می کنند. بر همین اساس در این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی، نسبت شریعت به معنای خاصش، یعنی فقه، با عرفان از منظر امام خمینی مورد تبیین و تحلیل قرار گرفت.

کلید واژگان: عرفان، فقه، شریعت، امام خمینی

۱- مقدمه

عارفی که به مقام لقا الله و قرب و فنا نظر دارد، برای رسیدن به مقصود باید منازلی را طی کند و به این هدف نائل نخواهد شد، مگر با سوق دادن خویش و جامعه خود به سلوک اخلاقی و عرفانی که مقصد نهایی در آن همان رسیدن به لقا الله است (اردبیلی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۴۵) در احادیث و قرآن، مسیری غیر از اطاعت الهی و پیامبر و اولی الامر برای سلوک یافت نمی شود. در آیه ۲۲۹ بقره می فرماید: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» * کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند ستمکارند» بنابراین، برنامه های عملی و دستور العمل های سلوک معصومین می تواند در سیر و سلوک برای نیل به مقصد، مدنظر قرار گیرد. امام خمینی در مکتوبات و سخنرانی های خود به این مطلب اشاره می فرماید و تنها راه نجات را تسلیم در جمیع اقوال و افعال در محضر رسول خدا (ص) و معصومین (ع) معرفی می کنند (امام خمینی، ۱۳۸۸، ب، ص ۶۹)، بنابراین مینا، یگانه راه رسیدن به حق برای سالک عارف منحصر به طریق شریعت اسلامی است. لذا آنچه مورد تاکید اهالی معرفت و عرفان واقع است، این است که گام نهادن در سلوک و طریقت بدون التزام به طاعات شرعی به دلیل زیر پا گذاشتن دستورات خداوند چیزی به غیر از هواپرستی نیست. آن چیزی که انسان را در طریق سلوک راهنمایی می کند، اوامر خداوند است و اگر سالک به آنها بی اعتنا باشد حقیقتی برایش حاصل نمی شود و اگر صورت گیرد جز الحاد و کفر نمی باشد (کاشانی، ۱۴۲۶، ق، ص ۶۵) به این جهت، التزام به شریعت برای رسیدن به حقایق عرفانی از اهم شروط طریق سلوک است و نیازمند تحلیل بیشتر است. باوجود اینکه در گذشته آقای مجتبی سپاهی تحقیقی با موضوع شریعت، طریقت و حقیقت را از آراء امام خمینی ارائه کرده است و در آن ایشان به این نتیجه رسیده است که طریقت نتیجه شریعت و حقیقت نتیجه طریقت است و این معنای از یکدیگر تفکیک ناپذیرند، در این پژوهش بر آن است تا رابطه ی بین عرفان و شریعت در معنی خاص که همانا فقه است از منظر امام خمینی که جامع فقاقت و معرفت عرفانی است را تبیین نماید.

۲- مفهوم شناسی

۲-۱ عرفان

عرفان در لغت مصدر دوم باب عرف، یعرف، معرفتا عرفاناً که به معنای شناختن است یا اسم مصدر از همین باب به معنای شناسایی و شناخت است، لذا، علمای اهل لغت عرفان را شناختن و دانستن بعد از نادانی معنا می کنند (دهخدا؛ ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۸۱۸). در کتاب مفردات، راغب اینگونه عرفان را بیان می کند: درک کردن و دریافتن چیزی است از روی اثر آن با اندیشه و تدبر که اخص از علم است، فلان یعرف الله و نمی گویند یعلم الله تا متعددی به یک مفعول شود، زیرا معرفت بشر از خدای تعالی تدبر در آثار او بدون ادراک ذات اوست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ج ۱، ص ۵۶۱) امام خمینی عرفان را اینگونه تعریف می کنند: عرفان عبارت است از معرفت خدا و شئون ذاتی و تجلیات اسمائی و افعالی او با یک نوع مشاهده حضوری، همچنین علم حضوری داشتن به کیفیت صفاتی و مراودات و نتایج الهی در حضرات اسمائی و اعیانی (امام خمینی، بی تا، ص ۵۵).

۲-۲ فقه

فقه در لغت، نوعی دقت و موشکافی و ریزبینی و فهم عمیق است (مصطفوی، بی تا، ج ۹، ص ۱۲۳) و فقیه در لغت، کسی را گویند که کلام را با ریزبینی و دقت بشکافد. راغب گوید: «فقه آن است که انسان بااستنتاج از معلومات و قضایای بالفعل و موجود، به مجهول دست یازد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ج ۱، ص ۶۴۲). فقهای اسلام، کلمه فقه را در مورد قسم اخیر [احکام و مسائل عملی، « قوانین و مقررات موضوعه»] اصطلاح کرده اند، شاید از آن نظر که در صدر اسلام آنچه بیشتر مورد توجه و پرسش مردم بود، مسائل عملی بود. به عبارتی فقه دانش به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی است (مشکین، ۱۴۱۶، ق، ص ۱۸۰).

بنابراین در این پژوهش بحث اصلی تبیین اهمیت فقه یا همان احکام شرعی در سلوک عرفانی در بین عرفانی اسلامی خصوصاً در آراء عرفانی امام خمینی با بررسی مکتوبات و بیانات و سیره ایشان می باشد. در این مقاله نخست نسبت و ارتباط حقیقت با شریعت بررسی شده و بعد بحث نیازمندی عرفان به احکام شرعی و فقه و جایگاه تکالیف دینی در مراحل سلوکی و نظر امام خمینی تبیین می گردد. و در انتها مصادیقی از عرفان در احکام خمس مطرح می شود.

۳- ربط حقیقت با شریعت

از اهم مباحث مطروحه در بین عرفا و عرفان اسلامی، شریعت، طریقت و حقیقت می باشد. به نظر محی الدین ابن عربی جز از راه شریعت سالک نمی تواند به حقیقت و معارف وحیانی دست یابد (ابن عربی، بی تا، ج ۳، ص ۶۹). البته هستند افرادی که شریعت را باحقیقت ناسازگار

می دانند و قائل به تفکیک بین آنها هستند. غافل از این توجه که تفکیک بین حقیقت با شریعت صرفاً یک امر قراردادی است در توضیح اجمالی این مطلب می توان گفت حقیقت بخش باطنی احکام و شریعت بخش ظاهری علم احکام است. لذا شریعت حافظ حقیقت و مشتمل بر آن است (محمود الغراب، ۱۴۲۰ق، ص ۳۷). امام خمینی نیز همین ظاهر و باطن احکام را بیان می دارند و یک رابطه طولی را میان حقیقت و شریعت رسم نموده اند به نظر ایشان کسی که مثل برخی از صوفیه که قصد رسیدن به باطن به غیر از مسیر ظاهر را دارند، مورد رضایت خدا نیستند و هیچگونه دلیلی از سوی خدا بر این روششان وجود ندارد (امام خمینی، بی تا، ص ۲۰۱).

آنچه از بررسی عرفان مورد قبول امام خمینی به دست می آید این است که نه تنها اسلام، بلکه تمام ادیان الهی واجد همین باطن و ظاهر هستند و در اسلام نیز شرع ما به عنوان کاملترین شرایع، هماهنگی کاملی میان باطن و ظاهر احکام در جهت رسیدن به معارف و حقایق وجود دارد و هر ادعا مبنی بر کشف حقایق بدون اعمال شرعی را نقص در سلوک می دانند (امام خمینی، ۱۳۸۸ج، ص ۵۷۶). از همین جاست که ایشان می کوشد با رعایت آداب و دستورات شریعت که ثمره آن نگارش رساله عملیه و تحریرالوسیله است در کنار تشریح معارف باطنی در سرالصلاه و آداب الصلاه به وحدتی میان حقیقت با شریعت و لزوم همراهی این دو به عنوان یگانه راه نجات انسان برسند.

۴- نیاز دائمی عرفان به فقه

باید اشاره داشت که در بین سالکانی که به اوامر و نواهی شرع بی اعتنا هستند گروهی نیز وجود دارند که پایبندی به تکالیف دینی را در مراحل ابتدایی سلوک پذیرفته اند اما در مراحل بالاتر طی طریق، خود را از دستورات مذهبی بی نیاز دانسته و حتی آداب و فرایض شرعی را مانع و دست و پا گیر اهداف بلند سلوکی قلمداد می کنند. از این جهت باید دید ارتباط بین طریقت با شریعت آیا دائمی است و یا برای سالک واصل درجاتی و مقاماتی است که در آن جایگاه بی نیاز به احکام خمس و شریعت است؟

از نظر عرفای حقیقی یعنی کسانی که رسیدن به معارف الهی و قرب پروردگار را منحصر در انجام واجبات و ترک محرمات می دانند از لذت بخش ترین امور ارادی انسان، همانا داشتن روحیه اطاعت و بندگی است، که پیامد درجات توحید می باشد. امام خمینی نیز با افکار منحرفی که می پندارند سالک در مراحل بی نیاز از شریعت می شود و مخالفت کرده این قبیل تصورات را مورد نقد قرار دادند، و این امر را بیاض و باطل و خیال خامی معرفی کردند که با روش اهل قلوب و اصحاب الله موافق نیست (امام خمینی، ۱۳۸۸ج، ص ۱۲). سالک مادامی که در سلوک و سیر الی الله است نمازش براق عروج و رفرف وصول است و پس از وصول، نمازش نقشه تجلیات و صورت مشاهدات جمال محبوب است، بدون آنکه اعمال رویه ای در ترکیب آن شود (همان، ص ۱۱). اینجاست که اگر سالک در مراحل سلوکی یا بعد از رسیدن به حقایق از رسوم شرعی و تکالیف مذهبی دست بردارد، وجود خود و نشئه جسمانی خویش را از انوار تجلی رب محروم کرده و به همان میزان در ظلمت گرفتار می آید.

امام خمینی مهمترین دلیل برای احتیاج عارف به شرع را در تمام مراحل سلوک، سیره نبی مکرم (ص) و ائمه (ع) می دانند. حضرات اولیاء (ع) با آنکه محو جمال اند و جلال و فانی در صفات و ذات، مع ذلک هیچ یک از مراحل عبودیت را غفلت نکنند. حرکات ابدان آنها تابع حرکات عشقیه روحانیه آنهاست، و آن تابع کیفیت ظهور جمال محبوب است (همان، ص ۳۵۰).

بنابراین، عرفان مورد نظر و تایید امام خمینی از منبع الهی قرآن کریم و روش و سنت حضرات معصومین (ع) گرفته شده، طریقی است کاملاً شریعت محور که اسقاط تکالیف در آن جایگاهی ندارد و سالک از بدایت سلوک تا نهایت آن ملتزم آن می باشد که این همان شریعت گرای امام خمینی است که همواره در زندگی شخصی و اجتماعی و دعوت سیاسی و مکتبی از ایشان شاهد بودیم.

۵- جایگاه فقه

حضرت علی (ع) روایتی را از پیامبر (ص) نقل نموده اند «الهم ارحم خلفایی»، «خداوندا، جانشینانم را رحمت فرما»، و این جمله را سه مرتبه تکرار کردند، از پیامبر (ص) پرسیدند، جانشینان شما چه افرادی اند؟ فرمود: «افرادی که پس از من می آیند، سنت و حدیث من را نقل می کنند، و آن را بعد از من به بقیه آموزش می دهند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۴۴). امام خمینی به این حدیث استدلال نموده و می فرماید که این حدیث در مورد کسانی است که می توانند احادیث پیامبر (ص) را بر طبق احکام اسلامی تشخیص بدهند و این توانایی جزو با علم فقه و اجتهاد ممکن نمی شود (امام خمینی، ۱۳۸۸ج، ص ۶۳-۶۲).

بنابراین آنچه گفته شد مبنی بر ضرورت همراهی شریعت با سیر و سلوک عرفانی و نقش محوری و اساسی آن، لذا فقیهان برای هدایت و ارائه ابزار این خواست نسبت به اهل معنا و عرفان نقش مهمی را همواره دارند، تا با روشنگری و تقدیم نسخه ی شارع، سالک را با عبودیت مورد نظر الهی به مقصد قرب و حریم ولایت ربوبی داخل گردانند. لذا در عصر غیبت که مردم از درک محضر نبی خدا (ص) و ولی اش محروم شده اند، فقه با عنوان اعلم به احکام الهی و تالی تلو معصومین (ع)، جانشینان ایشان میان مردم بحساب می آیند. بر همین مبنا با جستجو در نظریات

امام خمینی درباره حضرت ختمی مرتبت و جانشینان معصومش که از ولایت مطلقه برخوردارند و بهترین هادیان و رهبران انسانها محسوب می شوند، می توان نوعی سنخیت را با ولی فقیه یافت، اینگونه که در شرایط غیبت ولی اعظم، ولایت او به شخصیت علمی و بصیر در ابعاد دینی که همان فقیه جامع شرایط است به عنوان شایسته ترین فرد منتقل می شود. امام خمینی می فرماید: «آن اوصافی که در ولی است، در فقیه است که به آن اوصاف، خدا او را ولی امر قرار داده است و اسلام او را ولی امر قرار داده است، با آن اوصاف نمی شود که یک پایش را کنار یک قدر غلط بگذارد. اگر یک کلمه دروغ بگوید. یک کلمه، یک قدم برخلاف بگذارد، آن ولایت را دیگر ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۶۴). نتیجه می گیریم که، در نظر امام خمینی شأن فقه در عرفان و سلوک اسلامی از دو جهت قابل اهمیت و بررسی است. اول اینکه، فقیهان با اجتهاد برای کسب احکام، اصلی ترین راهنما برای طی درجات عرفانی و رسیدن به ولایت عالیه ی الهی هستند. دوم اینکه فقیهان در جایگاه نائب ولی معصوم، شبیه ترین افراد از حیث علم به احکام الهی و اعدل آنها در زمان غیبت نسبت به اولیاء محسوب می شوند. بنابراین با سیر در اندیشه های امام خمینی در می یابیم، همانطور که معنویت و قرب انبیاء و اولیاء آنها را واجد ولایت نموده است به این معنا که زمام مدیریت امور دنیا و آخرت افراد بشر و هدایت آنها به دستشان سپرده شده است، در زمان غیبت و نبود آن ولی مطلق، فقه باخاطر بعد علمی و معنوی خود شایسته خلافت و ولایت هستند.

۶- مصادیقی از اشتراک عرفان با فقه

تقوا و تطهیر روح مقدمه و شرط اصلی برای رسیدن به درجات معنوی و روحانی است که روش و کیفیت آن در شریعت بیان شده است. امام خمینی پرهیز از محارم را به عنوان یگانه راه وصول به مقامات معنویه بیان می کنند. امیدی به نجات قلبی که واجد خصوصیت ورع نباشد قائل نیستند (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۴۷۳).

به همین دلیل است که در سیره بزرگان از عرفای کنونی و گذشته تقید و التزام دقیق عملی و نظری به احکام و ملازمت پیوسته به آنها مانند دعا، ذکر، حج، روزه و نماز که همگی از دستورات شرعی هستند و حتی مستحبات و مکروهات، وجود دارد و همین اعمال ساده و ظاهری را مسیر اصلی سالک به انوار ربوبی و اسرار غیبی می دانند. همچنانکه با نگاه به سیره ی امام خمینی آنچه حاصل خواهد شد، توجه و عنایت فراوان ایشان به انجام مستحباتی مثل نماز شب و دائم الوضو بودن است.

اینک مواردی از زیباترین جلوه های عبودیت مانند روزه، نماز، حج در حیات عرفانی امام خمینی اشاره می شود. عبادت از منظر ایشان سرچشمه همه سعادت ها و یگانه طریق نیل به کمالات انسان است و حتی جایگاه پیامبر اکرم (ص) هم وابسته به عبادت ظاهری ایشان است (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف، ص ۳۹).

۶-۱ روزه

روزه همان امساک شرعی از طعام است که در سلوک در معنای وسیع تری به پرهیز از هر آنچه که مانع فیوضات الهی می شودمانند نیات خطا، پرداختن به امور لغو، ارتکاب جوارح به محرّمات، خواطر ناپسند و فزون طلبی اطلاق می شود. روزه عارف حفظ خود است از آنچه مخالفت با رضایت پروردگار و دستورات اوست (آملی، ۱۳۶۸، ص ۶۱۴). از دید رهروی وادی معرفت هدف از روزه تمرین بندگی و جدال با نفس و علایق انسانی است.

امام خمینی درباره روزه، اصل آن را توجه به پروردگار می داند و دور شدن از کثرات و در مورد فلسفه وجودی آن به داستان حضرت آدم (ع) اشاره می کند هنگامی که حضرت آدم پس از جذبۀ فَنای فی الله و فَنای ذاتی به کثرت اسمائی توجه نمود و از درخت ممنوعه استفاده نمود با وجود اینکه صفی الله و مقرب درگاه بود و این فعل از او متوقع نبود، ذات باری تعالی بر او و نسل او روزه سی روزه در سال را واجب نمود (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف، ص ۷۲).

باتوجه به این که این خطیئه از آدم و نسل بعد او مظاهر و مراتبی را دارا است، به نحوی که برای آدم میل به کثرات و برای صلب او حب نفس و توجه به دنیا سبب فراق از قرب است، لذا تطهیر قوای باطنیه مقدم بر ظاهریه است. به این علت روزه و صوم فراتر از صرف امساک ظاهری است و در اینجا ظاهرش با باطن آن همگام می شود و در صورت ترک شدن این ظاهر آن باطن نیز تباه خواهد شد.

۶-۲ نماز

در منظر اهل معنا و امام خمینی نماز معراج مومن است و سرچشمه ی معارف اصحاب عرفان و اهل یقین (امام خمینی، ۱۳۸۸ الف، ص ۱۳۸). و جامع ثنای حق تعالی به اسم اعظم است که مستجمع جمیع شئون الهیه است و از این جهت اذان و اقامه با اسم شریف الله آغاز می گردد و با آن ختم می شود (همان، ص ۱۴۲). امام خمینی با نگاهی عارفانه به نماز، سبب تجلیات الهی را عبودیت بندگان کامل دانسته و حرکت

اعضاء و جوارح ایشان را حین نماز متأثر از ظهور و بروز جمال حق بیان می کنند. لذا سجده، قیام، رکوع و باقی اعمال نماز برای عارف تمثیل و حقیقت عینی از تجلیات الهی بر قلب و جان ولی کامل است. همچنانکه پیامبر اکرم(ص) در معراج نماز بعثت دیدن نور عظمت و تجلیات غیبی سجده نمودند(همان، ۱۳۸۸ب، ص ۱۱).

۳-۶- حج

عرفان اسلامی همه تعهد است و عبادات اسلامی همه شعور. و حج که سیاسی ترین و اجتماعی ترین مراسم دینی مسلمانان است، تبلور بزرگ این شعور، خود حماسه ای بزرگ است. اهل معرفت حج را توجه و قصد سیر معنوی به قلب انسان کبیر که همان بیت الله هست و به بیت المعمور و نفس کلی نامیده شده می دانند(آملی، ۱۳۶۸، ص ۶۹۶). حج ترکیب زیبایی از معنویات و آداب عبادی است، سلوکی باطنی با سفری ظاهری در پیوند انفسی و آفاقی. حج هجرت است از دیار خود به دیار یار با دعوت یار. شما به میقات که می روید، « لیبیک » می گوئید، یعنی ما اجابت کردیم دعوت تو را (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۷۵).

و چه پراسرار است مناسک حج و چه غریب است طواف آن، در طواف حرم که نماد عشق به حق است، دل را تهی از غیر کنید و پاک نمایید جان را از خوف دیگران و برائت جویید از بت های کوچک و بزرگ(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۸۹). و درباره سعی صفا و مروه و عرفات و مشعر الحرام ایشان می گویند: در بین صفا و مروه با صفا و صدق دریافتن معشوق سعی کنید ... با شعور به مشعر الحرام و عرفات بروید و در هر موقف بر وعده های حق بیفزایید و باسکون، تفکر در آیات کنید (همان، ج ۲۰، ص ۸۶).

با اینکه در شریعت برانجام حج تاکید بسیار شده و حج از عبادات و مناسک محوری است، با بررسی نظر عرفا از دید معنوی به نظر می رسد حج واقعی آن عملی است که آدابش از روی فهم و معرفت انجام گیرد و توجه دقیق به باطن و حقیقت اعمال را می طلبد و حاجی بعد از رسیدن و زیارت خانه خالق باید به وصال صاحبخانه هم برسد، که اگر این معنا محقق نشود عملش به فراتر از ظاهر نرفته و از اتیان یک واجب شرعی قدمی به عوالم معنوی و عرفانی نگذارده است.

۷- نتیجه گیری

بنابراینچه بیان شد، یعنی عرفان ونسبت و ارتباط آن با فقه در معنی اخص شریعت، معلوم گردید این دو در عرض یکدیگر نیستند بلکه در طول هم قرار دارند و معلوم شد که عرفان و فقه باطن و ظاهر یک حقیقت هستند، که از منظر امام خمینی دارای پیوندی جدا نشدنی هستند، چونکه احکام شرعی یا همان ظاهر دین، مقدمه ای است برای رسیدن به درجات معنوی و کمالات روحانی که باطن شریعت است که از آن تعبیر به حقیقت می شود. هدف از دستورات شرعی و انجام اعمال عبادی هم همانا رسیدن به حقایق الهی و معارف ربوبی است، لذا آداب ظاهری، ابزار طی طریق از ظاهر به باطن است و همچنانکه درجات و مقامات معنوی نامتناهی است، سالک در طلبی دائمی بدون تغییر و تبدل در احکام شریعت باید با سعی در اصلاح کیفیت آن، همواره شایستگی بیشتری برای کسب فیوضات و عنایات حق در خود ایجاد نماید. به همین علت نقش موثر فقها در طی منازل عرفانی مورد نظر و توجه امام خمینی بوده است. فقیهان و دانشمندان دین، علاوه بر استخراج و تبیین تکالیف شرعی، درزمان غیبت خلیفه و ولی الهی به عنوان بهترین جانشین برای ایشان به شمار می روند. از همین جهت است که امام خمینی بر عبادات همچون نماز تا آخرین لحظه حیات تاکید وعنايت داشتند و هر سلوکی را به غیر از سلوک شرعی ناقص میدانستند و برای رسیدن به فنای فی الله و قرب الی الله دستوری بالاتر ازاتیان واجبات و ترک محرمات معرفی نمی کردند.

منابع:

قرآن کریم

- آملی، سید حیدر (۱۳۶۸). جامع الاسرار و منبع الانوار. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ابن عربی، محی الدین (بی تا). الفتوحات المکیه. بیروت: دار الصادر، ج ۱، ۳-۴.
- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۵). تقریرات فلسفه امام خمینی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
- حسن زاده، آملی، حسن (۱۳۷۸). ممدالهمم در شرح فصوص الحکم. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ الف). آداب الصلاه (آداب نماز). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ ج). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهاردهم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۸ د). ولایت فقیه، حکومت اسلامی (تقریر بیانات امام خمینی). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیستم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). تبیان. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دفتر دوازدهم، ج ۱۸، ۲۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱۰.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت - دمشق: دارالقلم - الدار الشامیه.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه. للصبحی صالح، قم: هجرت.
- کاشانی، عبدالرزاق (۱۴۲۶ ق). مطالعات الصوفیه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- محمود الغراب، محمود (۱۴۲۰ ق). الفقه عند شیخ الاکبر، بی جا: مطبعه نصر.
- مرتضوی لنگرودی، سید محمد حسن (۱۳۸۶). جواهر الاصول. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۶ ق). اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها. قم: نشر الهادی، چاپ ششم.